



Legal and Jurisprudential Requirements for Achieving Economic Justice in Compensation for a Wife's Domestic Work: An Analysis Based on Imam Khomeini's Thought and Human Rights Standards

Ghazal Jafargholi¹, Majid Vaziri^{2*}, Ahmadreza Khazaei³

1. PhD Candidate in Jurisprudence and Foundations of Imam Khomeini's Legal Thought, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 103-115

Article history:

Received: 08 Apr 2024

Edition: 24 Jun 2024

Accepted: 13 Aug 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Sexual Relations, Metavers, Human Dignity, Privacy, Jurisprudence.

Corresponding Author:

Majid Vaziri

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0009-0000-1700-4524

Email:

maj.vaziri@iauctb.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Recognizing the economic value of women's unpaid domestic work is a significant issue at the intersection of Islamic jurisprudence, family law, and economic justice. Under Iranian law, the supplementary provision to Article 336 of the Civil Code and Article 29 of the Family Protection Law (2012) provide a legal basis for a wife to claim *ujrat al-mithl* (fair remuneration based on the customary value of services) for domestic services that are not religiously obligatory and are performed subject to the statutory requirements. Nevertheless, the effective realization of this right remains subject to challenges, including establishing that the services were performed at the husband's request, determining the scope of activities beyond the wife's religious obligations, assessing the evidentiary implications of the wife's intention to perform the services gratuitously (*tabarru'*), and the lack of uniform standards for judicial expert assessment.

Materials and Methods: This doctrinal legal study employs a descriptive-analytical approach. It examines relevant Iranian legislation, Unifying Precedent No. 779 of the General Board of the Supreme Court, recent advisory opinions issued by the Legal Department of the Judiciary, primary and secondary sources of Imami jurisprudence, and the works of Imam Khomeini. The findings are subsequently examined in light of selected international human rights standards and Sustainable Development Goal 5.4 concerning the recognition and redistribution of unpaid care and domestic work.

Ethical Considerations: The study adhered to the ethical principles governing academic research, particularly academic integrity, accurate representation of sources, and faithful reporting of findings.

Findings: The analysis yields four principal findings. First, Article 265 of the Civil Code does not constitute the direct legal basis for a wife's claim for *ujrat al-mithl*; Article 336 provides the primary legal foundation for such claims. Second, pursuant to Advisory Opinions Nos. 7/364/1400 and 7/561/1401, the wife's silence during the course of marital life cannot, by itself, be construed as evidence of an intention to perform domestic services gratuitously (*tabarru'*). Third, *nehleh*, as a distinct legal institution with a specific statutory basis and scope, cannot be interpreted as an unrestricted judicial discretion to award compensation whenever a claim for *ujrat al-mithl* cannot be established. Fourth, Unifying Precedent No. 779 recognizes the possibility of combining the marital property-sharing condition with *ujrat al-mithl*, or with *nehleh* where applicable, rather than treating these mechanisms as mutually exclusive in all circumstances.

Conclusion: Achieving more effective economic justice in relation to compensation for a wife's domestic work does not primarily require the creation of a new legal entitlement. Rather, it requires a coherent interpretation and application of the existing legal framework, greater standardization and transparency in expert assessments, clearer identification of admissible evidence, and a systematic distinction between the jurisprudential foundations of Imami law, the requirements of Iranian domestic law, and relevant international human rights standards. Such an approach can contribute to a more consistent and equitable recognition of the economic value of unpaid domestic work within the Iranian family-law system.

Cite this article as:

Jafargholi, Gh; Vaziri, M & Khazaei, A. "Legal and Jurisprudential Requirements for Achieving Economic Justice in Compensation for a Wife's Domestic Work: An Analysis Based on Imam Khomeini's Thought and Human Rights Standards". 2024.

دوره اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۳

الزامات فقهی - حقوقی تحقق عدالت اقتصادی در اجرت‌المثل کارهای زوجه: با تأکید بر اندیشه امام خمینی و موازین حقوق بشر

غزال جعفرقلی^۱، مجید وزیری^{۲*}، احمدرضا خزائی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اندیشه امام (س)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شناسایی ارزش اقتصادی کار خانگی زوجه یکی از موضوعات مهم در پیوند میان فقه امامیه، حقوق خانواده و عدالت اقتصادی است. در حقوق ایران، تبصره الحاقی ماده ۳۳۶ قانون مدنی و ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، امکان مطالبه اجرت‌المثل کارهایی را که شرعاً بر عهده زوجه نبوده و با وجود شرایط قانونی انجام شده است، به رسمیت می‌شناسند. با این حال، اجرای این حق با دشواری‌هایی مانند احراز دستور زوج، تعیین قلمرو کارهای خارج از تکالیف شرعی، اختلاف در برداشت‌های اثباتی درباره قصد تبرع و نبود معیارهای کاملاً یکسان برای کارشناسی مواجه است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با روش حقوقی دکترینال و رویکرد توصیفی-تحلیلی، قوانین، رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظریات مشورتی جدید اداره کل حقوقی قوه قضائیه، منابع فقه امامیه و آثار امام خمینی را بررسی و سپس آنها را با برخی موازین حقوق بشر و هدف ۵،۴ توسعه پایدار مقایسه می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: اصول و ملاحظات اخلاقی نگارش تحقیق عملی از جمله اصل امانت‌داری مورد توجه نویسندگان مقاله بوده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که نخست، ماده ۲۶۵ قانون مدنی مبنای مستقیم دعوای اجرت‌المثل زوجه نیست و محور تحلیل باید ماده ۳۳۶ باشد؛ دوم، مطابق نظریات مشورتی ۷/۱۴۰۰/۳۶۴ و ۷/۱۴۰۱/۵۶۱، سکوت زوجه در طول زندگی مشترک به‌خودی‌خود دلالت بر قصد تبرع ندارد؛ سوم، نحله نهادی مستقل با قلمرو قانونی خاص است و نمی‌توان آن را اختیار نامحدود قاضی برای جبران هر مورد عدم اثبات اجرت‌المثل دانست؛ و چهارم، رأی وحدت رویه ۷۷۹ جمع شرط تنصیف دارایی با اجرت‌المثل یا نحله بدل از آن را پذیرفته است.

نتیجه: آنکه تحقق مؤثرتر عدالت اقتصادی در این حوزه بیش از ایجاد حق جدید، نیازمند تفسیر منسجم قواعد موجود، استانداردسازی کارشناسی، شفاف‌سازی ادله قابل قبول و تفکیک دقیق میان مبانی فقهی، حقوق داخلی و اسناد حقوق بشری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۵-۱۰۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

نحله، استیفا، قصد تبرع، امام خمینی، حقوق خانواده، حقوق بشر.

نویسنده مسئول:

مجید وزیری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد ارکید:

۰۰۰۹-۰۰۰۰-۱۷۰۰-۴۵۲۴

پست الکترونیک:

maj.vaziri@iauctb.ac.ir

۱. مقدمه

کار خانگی و مراقبتی، اگرچه در بسیاری از خانواده‌ها خارج از سازوکار بازار انجام می‌شود، دارای ارزش اقتصادی و اجتماعی واقعی است. مسئله حقوقی از جایی آغاز می‌شود که این کار در روابط زوجیت، از یکسو با عاطفه، تعاون خانوادگی و عرف اجتماعی پیوند دارد و از سوی دیگر ممکن است شامل فعالیت‌هایی باشد که شرع و قانون به‌عنوان تکلیف الزام‌آور زوجۀ تعیین نکرده‌اند. بنابراین پرسش اصلی این نیست که آیا همه کارهای خانگی باید به رابطه مزدگیری تبدیل شوند؛ بلکه این است که در فرض مطالبه، چه زمانی حقوق ایران برای کار انجام‌شده ارزش مالی قابل مطالبه می‌شناسد و شرایط اثبات و محاسبه آن چیست. ماده ۳۳۶ قانون مدنی در مبحث «استیفا» مقرر می‌کند هرگاه شخصی بر حسب امر دیگری عملی را انجام دهد که عرفاً دارای اجرت باشد، اصل بر استحقاق اجرت است مگر آنکه قصد تبرع معلوم شود. تبصره الحاقی این ماده، وضعیت زوجۀ را به‌طور خاص تنظیم کرده است. این تبصره در ۹ مرداد ۱۳۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ۲۳ دی ۱۳۸۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق مصلحت تشخیص داده شد. قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ نیز در ماده ۲۹، تعیین اجرت‌المثل ایام زوجیت را به همین تبصره ارجاع می‌دهد. از این‌رو، تحلیل امروزین اجرت‌المثل زوجۀ باید بر متن ماده ۳۳۶ و تحولات پس از قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ استوار باشد، نه صرفاً بر شرایط قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ که بخش عمده آن نسخ شده است.

در کنار اجرت‌المثل، «نحله» نیز در ادبیات حقوق خانواده مطرح است. ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق را نسخ کرده اما بند «ب» تبصره ۶ آن را صریحاً باقی گذاشته است. این باقی‌ماندن، نحله را به‌عنوان نهادی قانونی حفظ کرده، ولی نسبت آن با اجرت‌المثل و شروط اعمال آن نیازمند تفسیر دقیق است. همین موضوع در رویه قضایی و نظریات مشورتی سبب اختلاف نظر شده و نشان می‌دهد که کاربرد واژه‌هایی مانند «عدالت» یا «انصاف» نمی‌تواند جایگزین تحلیل متن قانون شود.

از منظر فقهی نیز مسئله بر دو محور متمرکز است: نخست، تعیین کارهایی که شرعاً بر عهده زوجۀ نیست؛ دوم، بررسی ضمان ناشی از استیفای عمل دارای ارزش مالی در فرض نبود قصد تبرع. در آثار امام خمینی، ضمن پذیرش استقلال حقوقی و مالی زن، در مبحث نشوز تصریح می‌شود که خودداری زوجۀ از خدماتی مانند جارو کردن، خیاطی و طبخ غذا، چون از تکالیف واجب زناشویی به شمار نمی‌روند، به‌خودی‌خود نشوز ایجاد نمی‌کند؛ همچنین در صحیفه امام بر حق کار و مالکیت زن تأکید شده است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵ / ۱۸۵-۱۸۹). این مبانی، بدون آنکه به تنهایی تمام شرایط حقوقی اجرت‌المثل را تعیین کنند، در تبیین قلمرو تکالیف شرعی و استقلال مالی زوجۀ اهمیت دارند.

بعد حقوق بشری مقاله نیز باید با احتیاط روش‌شناختی بررسی شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر بر برابری حقوق زن و مرد در ازدواج، حق مالکیت، حقوق اقتصادی و حق برخورداری از مزد

حقوق بشر و هدف ۵,۴ توسعه پایدار مقایسه می‌کند.

۳. ملاحظات اخلاقی

اصول و ملاحظات اخلاقی نگارش تحقیق عملی از جمله اصل امانت‌داری مورد توجه نویسندگان مقاله بوده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که نخست، ماده ۲۶۵ قانون مدنی مبنای مستقیم دعوای اجرت‌المثل زوجه نیست و محور تحلیل باید ماده ۳۳۶ باشد؛ دوم، مطابق نظریات مشورتی ۷/۱۴۰۰/۳۶۴ و ۷/۱۴۰۱/۵۶۱، سکوت زوجه در طول زندگی مشترک به‌خودی‌خود دلالت بر قصد تبرع ندارد؛ سوم، نحله نهادی مستقل با قلمرو قانونی خاص است و نمی‌توان آن را اختیار نامحدود قاضی برای جبران هر مورد عدم اثبات اجرت‌المثل دانست؛ و چهارم، رأی وحدت رویه ۷۷۹ جمع شرط تنصیف دارایی با اجرت‌المثل یا نحله بدل از آن را پذیرفته است.

۵. بحث

۵-۱. مبانی فقهی، حقوقی و حقوق بشری

۵-۱-۱. ارزش مالی عمل و مبنای استیفا

در حقوق مدنی ایران، استیفا یکی از منابع الزامات خارج از قرارداد است. ماده ۳۳۶ ناظر به استیفای از «عمل» دیگری است و ماده ۳۳۷ ناظر به استیفای منفعت از «مال» دیگری. تمایز این دو برای موضوع حاضر بنیادی است؛ زیرا مطالبه زوجه بابت خدمات خانگی، در اصل به عمل و خدمت انسانی مربوط است، نه استفاده از مال متعلق به او. بنابراین

عادلانه تأکید دارد. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق اقتصادی و اجتماعی و حق شرایط عادلانه کار را به رسمیت می‌شناسد؛ ایران این میثاق را در ۲۴ ژوئن ۱۹۷۵ تصویب کرده است. با این حال، این اسناد به‌خودی‌خود قاعده‌ای مبنی بر الزام همسر به پرداخت دستمزد برای تمام کار خانگی ایجاد نمی‌کنند. نزدیک‌ترین چارچوب سیاستی بین‌المللی، هدف ۵,۴ توسعه پایدار است که بر «شناسایی و ارزش‌گذاری کار مراقبتی و خانگی بدون مزد» تأکید می‌کند. بنابراین این اسناد در پژوهش حاضر نقش چارچوب تفسیری و سیاستی دارند، نه منبع مستقیم ایجاد دین خصوصی میان زوجین.

پرسش اصلی پژوهش چنین است: نظام حقوقی ایران با اتکا به مبانی فقه امامیه و اندیشه امام خمینی، چه شرایطی برای استحقاق اجرت‌المثل کارهای زوجه مقرر کرده و مهم‌ترین چالش‌های اثباتی و اجرایی آن چیست؟ پرسش فرعی نیز این است که نحله، شرط تنصیف دارایی و موازین حقوق بشر چه نسبتی با این نهاد دارند؟ فرضیه مقاله آن است که مشکل اصلی نه فقدان مبنای حقوقی، بلکه ناهمگونی در تفسیر ادله، ارزیابی قصد تبرع و شیوه کارشناسی است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، قوانین، رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظریات مشورتی جدید اداره کل حقوقی قوه قضائیه، منابع فقه امامیه و آثار امام خمینی را بررسی و سپس آنها را با برخی موازین

توصیف ماده ۳۳۶ به عنوان استیفای از مال غیر نادرست است و می‌تواند مسیر استدلال را به ماده ۳۳۷ منحرف کند (کاتوزیان، ۱۳۹۵).

در فقه امامیه، اصل احترام مال و عمل دارای ارزش مالی، همراه با قواعد استیفا و ضمان، پشتوانه نظری پذیرش اجرت برای عملی است که عرفاً مجانی فرض نمی‌شود. با این حال، در روابط خانوادگی وجود انگیزه عاطفی و همکاری مشترک موجب می‌شود قصد تبرع اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. به همین دلیل قانون‌گذار در تبصره ماده ۳۳۶، علاوه بر انجام کار خارج از وظایف شرعی و دستور زوج، «عدم قصد تبرع» و احراز شرایط نزد دادگاه را صریحاً ذکر کرده است. این تصریح نباید به گونه‌ای تفسیر شود که تمام اعمال خانگی ذاتاً تبرعی تلقی شوند یا برعکس، هر عمل خانوادگی بدون بررسی اوضاع و احوال، مزداور فرض شود.

۵-۱-۲. قلمرو تکالیف زوجه در فقه امامیه و

اندیشه امام خمینی

یکی از مقدمات ضروری برای اجرای تبصره ماده ۳۳۶، تشخیص کارهایی است که «شرعاً به عهده زوجه نبوده» است. در تحریرالوسیله، در بحث نشوز، عدم اطاعت زن در اموری که اطاعت در آنها واجب نیست موجب تحقق نشوز دانسته نشده و خدماتی مانند جارو کردن منزل، خیاطی، طبخ غذا، آب دادن و آماده کردن بستر از نمونه‌های امور غیر مرتبط با حق استمتاع ذکر شده‌اند (خمینی، بی‌تا). اهمیت این گزاره برای اجرت‌المثل در آن است که نشان می‌دهد این خدمات را نمی‌توان صرفاً به دلیل زوجیت، تکلیف شرعی الزام‌آور زوجه تلقی کرد.

در سطح کلی‌تر، امام خمینی در مصاحبه‌ای که در صحیفه امام آمده است، از حق تحصیل، کار و مالکیت زن در نظام اسلامی سخن گفته است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵ / ۱۸۵-۱۸۹). همچنین در سخنان دیگری آزادی زنان در تحصیل و کار، همانند مردان، مورد تأکید قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴ / ۴۸۰). این بیانات بیش از آنکه قاعده فنی اجرت‌المثل باشند، بر شناسایی شخصیت مستقل حقوقی و مالی زن دلالت دارند؛ شخصیتی که با مالکیت مستقل بر عوض کار و سایر اموال سازگار است.

از این مقدمات نمی‌توان نتیجه گرفت که زوجه در هر حال برای تمام فعالیت‌های خانوادگی طلبکار اجرت است. استحقاق در حقوق موضوعه وابسته به شرایط تبصره ماده ۳۳۶ است. مزیت استفاده از مبانی فقهی آن است که قلمرو «وظیفه شرعی» روشن‌تر شود و خدمات غیر واجب، صرفاً به دلیل عرف خانوادگی، به تکلیف شرعی تبدیل نشوند.

۵-۱-۳. چارچوب حقوقی اجرت‌المثل در

قوانین ایران

تبصره ماده ۳۳۶ چهار عنصر اصلی را در مورد زوجه برجسته می‌کند: نخست، انجام کاری که شرعاً بر عهده او نبوده است؛ دوم، وجود اجرت عرفی برای آن کار؛ سوم، انجام کار به دستور زوج؛ و چهارم، عدم قصد تبرع و احراز شرایط برای دادگاه. ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ نیز مقرر می‌کند دادگاه ضمن رأی مربوط به طلاق، درباره حقوق مالی از جمله اجرت‌المثل ایام زوجیت مطابق تبصره ماده ۳۳۶ تعیین تکلیف کند. این ارجاع، معیار فعلی اجرت‌المثل را از شروط محدودکننده بند

«الف» تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق جدا کرده است (حاتمی و زبرجد، ۱۳۹۴؛ مرادی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۴).

نتیجه مهم آن است که «درخواست طلاق از سوی زوجه» یا «عدم وجود شرط مالی ضمن عقد» از شرایط خود اجرت‌المثل بر اساس تبصره ماده ۳۳۶ نیست. البته این عوامل ممکن است در نهادهای دیگر مانند نخله یا شرط تنصیف دارایی اهمیت پیدا کنند. خلط شرایط این نهادها یکی از سرچشمه‌های خطا در متون آموزشی و حتی برخی استدلال‌های قضایی است.

۵-۱-۴. موازین حقوق بشر و ارزش‌گذاری کار خانگی

اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد ۱۶ و ۱۷ بر برابری حقوق زن و مرد در ازدواج و حق مالکیت تأکید دارد و در مواد ۲۲ و ۲۳ از حقوق اقتصادی، کرامت انسانی، حق کار و مزد عادلانه سخن می‌گوید. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ماده ۳ بر حق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق میثاق و در ماده ۷ بر شرایط عادلانه کار و مزد منصفانه تأکید دارد. ایران در سال ۱۹۷۵ این میثاق را تصویب کرده است.

با وجود این، رابطه مستقیم میان این مقررات و اجرت‌المثل زوجه نباید بیش‌ازحد توسعه داده شود. کار خانگی در درون خانواده لزوماً رابطه استخدامی یا کارگری ایجاد نمی‌کند و اسناد یادشده نیز فرمول حقوق خصوصی برای مطالبه دستمزد از همسر مقرر نکرده‌اند. ارزش افزوده رویکرد حقوق بشری در

این پژوهش بیشتر در سه محور است: شناسایی استقلال مالی زن، جلوگیری از تبعیض در برخورد با حقوق اقتصادی، و توجه به ارزش اجتماعی کار مراقبتی بدون مزد.

هدف ۵،۴ دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل به‌طور خاص دولت‌ها را به شناسایی و ارزش‌گذاری کار مراقبتی و خانگی بدون مزد از طریق خدمات عمومی، زیرساخت، حمایت اجتماعی و ترویج مسئولیت مشترک در خانواده فرامی‌خواند. این هدف، برخلاف تبصره ماده ۳۳۶، درباره دعوی خصوصی اجرت‌المثل سخن نمی‌گوید؛ اما نشان می‌دهد نادیده گرفتن کامل ارزش اقتصادی کار خانگی با جهت‌گیری‌های معاصر سیاست عمومی سازگار نیست. بنابراین، حقوق بشر و توسعه پایدار در این مقاله نقش «معیار تفسیری و سیاستی» دارند نه «مبنای مستقیم دین زوج».

۵-۱-۵. پیشینه پژوهش و نوآوری مقاله

پژوهش‌های پیشین جنبه‌های مختلف اجرت‌المثل و نخله را بررسی کرده‌اند. انصاری‌پور و صادقی‌مقدم (۱۳۸۴) با نقد آرای محاکم، بر مبانی قانونی و فقهی اجرت کارهای زوجه تمرکز کرده‌اند. حاتمی و زبرجد (۱۳۹۴) آثار قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ بر اجرت‌المثل و نخله را تحلیل کرده‌اند. مرادی و قاسم‌زاده (۱۳۹۴) موضوع را از منظر فقه و حقوق ایران و قانون ۱۳۹۱ بررسی کرده‌اند. کبیری و غلام‌پور (۱۳۹۵) به مبانی فقهی و حقوقی اعمال زوجه پرداخته و ابراهیمی ترکمان و خلیجیان (۱۳۹۶) نوآوری‌های قانون حمایت خانواده را با فقه امامیه مقایسه کرده‌اند.

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هدف ۵،۴ دستور کار ۲۰۳۰ بررسی شده‌اند.

۵-۳. تحلیل حقوقی و فقهی شرایط استحقاق اجرت‌المثل

۵-۳-۱. انجام کار خارج از وظایف شرعی

نخستین شرط، ماهیت کار است. صرف انجام فعالیت در خانه برای ایجاد حق کافی نیست؛ فعالیت باید خارج از تکالیف شرعی زوجه باشد. در فقه امامیه، وظایف مرتبط با تمکین با خدمات عمومی منزل یکسان نیست. تصریح تحریرالوسیله درباره عدم تحقق نشوز در صورت امتناع از خدماتی مانند جارو، خیاطی و طبخ، مؤید این تفکیک است. از نظر دادرسی، دادگاه باید نوع فعالیت ادعایی را مشخص کند و نمی‌تواند مجموعه‌ای کلی با عنوان «همسراری» را بدون تفکیک موضوع ارزیابی کند.

در عمل، تربیت و مراقبت از فرزند، پخت‌وپز، نظافت، شست‌وشو، رسیدگی به امور منزل و گاه همکاری در فعالیت اقتصادی زوج از جمله مصادیقی هستند که ممکن است موضوع کارشناسی قرار گیرند؛ اما استحقاق و میزان اجرت هر یک باید با توجه به اوضاع پرونده، عرف، میزان و استمرار خدمت و تکالیف قانونی و شرعی سنجیده شود. تعیین مصادیق نباید به فهرست خشک و یکسان برای همه خانواده‌ها تبدیل شود.

۵-۳-۲. عرفاً اجرت داشتن عمل

قانون‌گذار استحقاق را به اعمالی محدود کرده که عرفاً برای آنها اجرت در نظر گرفته می‌شود. مقصود آن است که عمل قابلیت ارزش‌گذاری اقتصادی داشته باشد. این شرط مانع آن است که هر رفتار

نوآوری پژوهش حاضر در چهار نکته است: نخست، به‌روزرسانی تحلیل با رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ و نظریات مشورتی ۷/۱۴۰۰/۳۶۴ و ۷/۱۴۰۱/۵۶۱؛ دوم، تفکیک دقیق اجرت‌المثل از نحله و شرط تنصیف؛ سوم، بازخوانی اندیشه امام خمینی بدون انتساب نقل‌های غیرقابل احراز؛ و چهارم، افزودن تحلیل حقوق بشری با تصریح به حدود اثر آن، به گونه‌ای که اسناد بین‌المللی به اشتباه جایگزین قانون داخلی نشوند.

۵-۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش از نوع حقوقی دکترینال (doctrinal legal research) و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند. در بخش حقوق موضوعه، قانون مدنی، قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق در بخش باقی‌مانده، رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ و نظریات مشورتی مرتبط بررسی شده‌اند. در بخش فقهی، از قرآن کریم، تحریرالوسیله و ادبیات فقه امامیه درباره نشوز، تکالیف زوجین و استیفا استفاده شده است. برای اندیشه امام خمینی نیز علاوه بر اثر فقهی، بیانات مستند در صحیفه امام مورد توجه قرار گرفته است.

در سلسله‌مراتب استنادی، قانون و رأی وحدت رویه لازم‌الاتباع از نظریات مشورتی تفکیک شده‌اند. نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه در این پژوهش به‌عنوان منبع تفسیری و نشان‌دهنده جهت‌گیری حقوقی به کار رفته‌اند، نه قانون یا رأی لازم‌الاتباع. آرای منفرد نیز صرفاً برای نشان دادن وجود اختلاف در رویه قابل استفاده‌اند. در بخش حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق

جدیدتر اداره کل حقوقی قوه قضائیه متفاوت است. نظریه مشورتی ۷/۱۴۰۰/۳۶۴ مورخ ۷/۲۱/۱۴۰۰ اعلام می‌کند سکوت زوجه هنگام انجام کارهای منزل را نمی‌توان حمل بر قصد تبرع دانست و قانون‌گذار با عبارت «عدم قصد تبرع ... و برای دادگاه نیز ثابت شود» در مقام تحمیل بار اثبات بر زوجه نبوده است. نظریه ۷/۱۴۰۱/۵۶۱ مورخ ۱۴۰۱/۶/۱۲ نیز همین تحلیل را تکرار می‌کند.

این نظریه اخیر نکته مهم دیگری دارد: ماده ۲۶۵ قانون مدنی، که درباره پرداخت مال و امکان استرداد آن بحث می‌کند، مبنای مستقیم دعوای اجرت‌المثل ایام زوجیت نیست. دعوای زوجه از استیفای عمل ناشی می‌شود و باید بر ماده ۳۳۶ استوار باشد. بنابراین استفاده از ماده ۲۶۵ برای انتقال خودکار بار اثبات در این دعا از نظر تحلیلی دقیق نیست.

با وجود این نظریات، نمی‌توان ادعا کرد همه دادگاه‌ها رویکردی کاملاً یکسان دارند. نمونه‌های آرای منفرد نشان می‌دهد برداشت از قصد تبرع و ارزش قرائن خانوادگی هنوز متفاوت است. از این‌رو، مشکل اصلی را بهتر است «ناهمگونی در احراز قصد و ارزیابی قرائن» بنامیم، نه اینکه به‌طور مطلق بگوییم قانون بار اثبات عدم تبرع را بر زن گذاشته است.

۵-۳-۵. امکان مطالبه مستقل از طلاق

ماهیت حق ناشی از ماده ۳۳۶، آن را به صرف انحلال نکاح محدود نمی‌کند. ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده تکلیف دادگاه در زمان صدور رأی طلاق را روشن می‌کند، اما خود مبنای اجرت‌المثل در ماده ۳۳۶ قرار دارد. ادبیات حقوقی نیز بر امکان

عاطفی یا همراهی خانوادگی موضوع مطالبه مالی قرار گیرد. از سوی دیگر، معیار «عرفاً اجرت داشتن» به معنای تقلیل خدمات متنوع زوجه به مزد یک خدمتکار ساده نیز نیست. کارشناسی باید نوع، حجم، مدت و کیفیت خدمات را تفکیک کند و از الگوی روشن و قابل توضیح استفاده نماید.

۵-۳-۳. دستور زوج و دشواری اثبات آن

تبصره ماده ۳۳۶ صراحتاً «دستور زوج» را شرط می‌داند. در محیط خانواده، دستور همیشه به‌صورت نوشته یا فرمان صریح شکل نمی‌گیرد و ممکن است از شیوه مستمر اداره زندگی، درخواست‌های مکرر، تقسیم نقش‌ها و سایر قرائن استنباط شود؛ با این حال، حذف این شرط از طریق تفسیر قضایی ممکن نیست و تغییر آن نیازمند قانون‌گذاری است. بنابراین دادگاه باید از مجموعه ادله، از جمله اقرار، شهادت، پیام‌ها، اوضاع و احوال زندگی مشترک و قرائن قابل اتکا، احراز لازم را انجام دهد.

پیشنهاد حذف شرط دستور زوج، اگرچه از منظر سیاست‌گذاری قابل بحث است، باید به‌عنوان «پیشنهاد اصلاح قانون» عرضه شود، نه تفسیر قانون موجود. تفکیک این دو سطح برای مقاله علمی ضروری است: قاضی نمی‌تواند شرط صریح متن را صرفاً با استناد به عدالت کنار بگذارد، اما پژوهشگر می‌تواند درباره کارآمدی آن نقد تقنینی ارائه کند.

۵-۳-۴. عدم قصد تبرع و بار اثبات

بخش مناقشه‌برانگیزتر، قصد تبرع است. نسخه‌های قدیمی‌تر برخی نظریات مشورتی بار اثبات عدم تبرع را بر زوجه می‌گذاشتند؛ اما جهت‌گیری

مطالبه در طول زوجیت، در صورت جمع شرایط، تأکید کرده است (مرادی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۴؛ کبیری و غلام‌پور، ۱۳۹۵). این نکته باید از نحله تفکیک شود که در ساختار قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق شکل گرفته است.

۴-۵. نحله و نسبت آن با اجرت‌المثل و شرط تنصیف

۴-۵-۱. مبنای قانونی و ماهیت نحله

واژه «نحله» در قرآن کریم نیز به کار رفته است؛ در آیه ۴ سوره نساء، واژه نحله درباره صدق آمده است. با این حال، نهاد حقوقی نحله در حقوق معاصر خانواده را نباید مستقیماً از آن آیه و به همان معنا استخراج کرد. مبنای قانونی مشخص آن بند «ب» تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق است که ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ آن را از نسخ استثنا کرده است. بنابراین میان ریشه لغوی/قرآنی واژه و منشأ تقنینی نهاد باید تفاوت گذاشت.

نحله به موجب متن قانونی با توجه به سنوات زندگی مشترک، نوع کارهای انجام‌شده و وسع مالی زوج تعیین می‌شود. درباره شرایط دقیق اعمال آن پس از نسخ بند «الف» تبصره ۶، در نظریات حقوقی اختلاف‌هایی وجود داشته است. از این‌رو، معرفی نحله به عنوان ابزار کاملاً آزاد قاضی برای جبران هر وضعیتی که اجرت‌المثل اثبات نمی‌شود، از دقت کافی برخوردار نیست. دادگاه همچنان باید مبنای قانونی و شرایط قابل اعمال را احراز کند.

۴-۵-۲. عدم جمع اجرت‌المثل و نحله برای

یک مبنا

در رویه جدید، نحله نسبت به اجرت‌المثل ماهیت جایگزین دارد. رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ نیز در بیان خود از «اجرت‌المثل ... (یا نحله بدل از آن)» استفاده کرده است. همچنین در آرای دیوان عالی کشور، نحله بدل اجرت‌المثل تلقی شده و جمع آن دو برای همان خدمات پذیرفته نشده است. بنابراین بهتر است مقاله از عبارت «دریافت هم‌زمان اجرت‌المثل و نحله» پرهیز کند. البته ممکن است زوجه در کنار یکی از این دو، حقوق مالی دیگری مانند مهریه، نفقه یا حق ناشی از شرط تنصیف را نیز مطالبه کند، مشروط به تحقق شرایط هر نهاد.

۴-۵-۳. جمع شرط تنصیف دارایی با

اجرت‌المثل یا نحله

مهم‌ترین تحول رویه‌ای در این زمینه رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور است. این رأی تصریح می‌کند شرط تنصیف دارایی مندرج در عقدنامه با اجرت‌المثل کارهای زوجه یا نحله بدل از آن تعارض ندارد و دادگاه باید در صورت تحقق شرایط، نسبت به هر دو منبع حق تعیین تکلیف کند. مبنای این نتیجه تفاوت منشأ تعهدهاست: شرط تنصیف ماهیت قراردادی دارد، درحالی‌که اجرت‌المثل از استیفای عمل و نحله از مقرر حمایتی خاص ناشی می‌شود.

این رأی همچنین نشان می‌دهد نظریات مشورتی قدیمی‌تر یا برداشت‌هایی که وجود شرط مالی را مانع مطلق اجرت‌المثل می‌دانستند، نمی‌توانند مبنای نهایی تحلیل امروز باشند. رأی وحدت رویه

مطابق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۵-۵. چالش‌های اجرایی و رویه‌ای

۵-۵-۱. ناهمگونی ادله در روابط خصوصی خانواده

روابط خانوادگی معمولاً فاقد اسناد قراردادی درباره تقسیم کار منزل است. همین امر اثبات دستور، گستره خدمات و قصد طرفین را دشوار می‌کند. راه‌حل، جابه‌جایی سلیقه‌ای بار اثبات نیست، بلکه تدوین معیارهای روشن برای ارزیابی قرائن است. دادگاه می‌تواند مجموعه شواهد را به‌صورت تجمعی بسنجد؛ مانند مدت زندگی مشترک، وضعیت اشتغال طرفین، وجود یا فقدان خدمتکار، تعداد و سن فرزندان، اقرارها، پیام‌ها، شهادت مطلعان و سایر قرائن متناسب با پرونده.

۵-۵-۲. نبود الگوی واحد کارشناسی

پس از احراز اصل استحقاق، میزان اجرت غالباً به کارشناسی ارجاع می‌شود. در نبود یک الگوی شفاف، ممکن است نتایج به‌شدت متفاوت باشند. کارشناسی علمی باید دست‌کم نوع خدمت، حجم تقریبی، مدت انجام، محل جغرافیایی، نرخ عرفی خدمات مشابه، هم‌پوشانی کارها، استفاده از خدمتکار یا خدمات بیرونی، و دوره‌های اشتغال یا غیبت هر یک از زوجین را توضیح دهد. معیار وسیع مالی زوج، که در نخله صراحت دارد، نباید بدون مبنای قانونی به فرمول اجرت‌المثل ماده ۳۳۶ وارد شود؛ اجرت‌المثل در اصل باید ارزش عرفی عمل را منعکس کند.

۵-۵-۳. خطر خلط «عدالت» با اختیار نامحدود قضایی

عدالت هدف مهم حقوق خانواده است، اما در نظام حقوقی، عدالت باید از طریق منابع معتبر و استدلال حقوقی اجرا شود. استفاده از تعبیری مانند «روح قانون» یا «قضاوت منصفانه» زمانی مفید است که در چهارچوب متن قانون، قواعد فقهی معتبر و اصول دادرسی باشد. به همین دلیل، پیشنهادهایی مانند حذف شرط دستور زوج یا توسعه قلمرو نخله باید صریحاً به‌عنوان اصلاح تقنینی بیان شوند و نه تفسیر لازم‌الاجرای وضع موجود.

۵-۵-۴. چالش فرهنگی و آگاهی حقوقی

نگاه فرهنگی به کار خانگی نیز بر رفتار طرفین و شیوه طرح دعوا اثر می‌گذارد. تلقی تمام خدمات منزل به‌عنوان وظیفه ذاتی زن، با تفکیک فقهی میان تکالیف زوجیت و خدمات غیر واجب سازگار نیست. در مقابل، تبدیل همه روابط خانوادگی به حسابداری مالی نیز با ماهیت عاطفی و تعاونی خانواده سازگاری ندارد. راهکار حقوقی باید میان این دو افراط حرکت کند: احترام به همکاری داوطلبانه خانوادگی و در عین حال، جلوگیری از نادیده گرفتن حق مالی در مواردی که شرایط قانونی استیفا تحقق یافته است.

۵-۶. راهکارهای پیشنهادی

(۱) تدوین دستورالعمل کارشناسی ملی برای اجرت‌المثل کارهای زوجه که عناصر مؤثر، روش محاسبه، جلوگیری از دوباره‌شماری خدمات و نحوه مستندسازی نظر کارشناس را مشخص کند.

مراقبتی و تقویت مسئولیت مشترک خانوادگی؛ این مسیر مکمل حقوق خصوصی اجرت‌المثل است و نباید با آن یکی دانسته شود.

۶. نتیجه‌گیری

اجرت‌المثل کارهای زوجه در حقوق ایران نهادی مبتنی بر استیفای عمل و دارای شرایط مشخص قانونی است. تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، در کنار ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، مبنای اصلی دعوا را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، عمل مورد مطالبه باید خارج از تکالیف شرعی زوجه و عرفاً دارای اجرت باشد، دستور زوج احراز شود و قصد تبرع نیز منتفی باشد. تحلیل فقهی، به‌ویژه در آثار امام خمینی درباره محدوده نشوز و خدمات غیر واجب منزل، در تشخیص شرط نخست و شناسایی استقلال مالی زن نقش روشن‌گر دارد.

بازنگری منابع و رویه نشان داد که چند تصور رایج نیازمند اصلاح است. نخست، ماده ۳۳۶ درباره استیفای از عمل است و ماده ۳۳۷ درباره استیفای منفعت از مال. دوم، ماده ۲۶۵ مبنای مستقیم مطالبه اجرت‌المثل زوجه نیست. سوم، طبق نظریات مشورتی جدید، سکوت زوجه در ایام زندگی مشترک لزوماً نشانه قصد تبرع نیست و ادعای تبرعی بودن تابع قواعد عمومی اثبات است. چهارم، درخواست طلاق از سوی زوجه شرط نفی‌کننده اجرت‌المثل بر مبنای تبصره ماده ۳۳۶ محسوب نمی‌شود. پنجم، نحله نهادی با مبنای قانونی مستقل و ماهیت جایگزین نسبت به اجرت‌المثل است و نمی‌توان آن را اختیار نامحدود قضایی دانست.

۲) تهیه مجموعه رویه قضایی تنقیح‌شده درباره «دستور زوج»، «قصد تبرع» و مصادیق کار خارج از وظایف شرعی؛ انتشار این مجموعه می‌تواند از اختلاف برداشت‌ها بکاهد.

۳) تفکیک صریح ماده ۲۶۵ از ماده ۳۳۶ در آموزش قضات و وکلا و تبیین اینکه نظریات مشورتی جدید، سکوت زوجه را به‌خودی‌خود دلیل تبرع نمی‌دانند.

۴) در صورت استمرار آرای واجد شرایط قانونی، استفاده از سازوکار ارجاع به هیأت عمومی دیوان عالی کشور وفق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، نه تلقی «وحدت رویه» به‌عنوان بخشنامه اداری.

۵) بازنگری تقنینی در شرط «دستور زوج» در صورت احراز ناکارآمدی آن در عمل. اگر قانون‌گذار بخواهد معیار «انتفاع خانواده از کار» یا «تقسیم عرفی کار با علم و پذیرش زوج» را جایگزین کند، این تغییر باید به‌صورت صریح در قانون انجام شود.

۶) تبیین دقیق قلمرو نحله در قانون جدید یا اصلاح ماده ۵۸، زیرا باقی‌ماندن بند «ب» تبصره ۶ در کنار نسخ بند «الف» زمینه اختلاف تفسیری ایجاد کرده است.

۷) آموزش حقوق مالی زوجین پیش از ازدواج و در مشاوره‌های خانواده، با تأکید بر امکان توافق روشن درباره تقسیم کار، شرط‌های مالی و نحوه مستندسازی تعهدات، بدون تبدیل روابط خانوادگی به رابطه استخدامی اجباری.

۸) در سیاست عمومی، توجه به هدف ۵,۴ توسعه پایدار از طریق حمایت‌های اجتماعی، خدمات

- انصاری‌پور، محمدعلی و صادقی‌مقدم، محمدحسن، «اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم»، مدرس علوم/انسانی، شماره پیاپی چهل-ویکم، ۱۳۸۴.

- حاتمی، علی‌اصغر و زبرجد، سیده فاطمه، «اجرت‌المثل ایام زوجیت و نحله با نگرشی بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱»، مطالعات حقوقی، دوره هفتم، شماره اول، ۱۳۹۴.

- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه/امام، جلد چهارم و پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.

- خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، (جلد دوم، کتاب النکاح، مبحث نشوز)، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.

- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد-مسئولیت مدنی: مسئولیت‌های خاص و مختلط، (جلد دوم، چاپ دوازدهم)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.

- کبیری، حمیده و غلام‌پور، محمدرضا، «مبانی فقهی و حقوقی اجرت‌المثل اعمال زوجه»، فقه و تاریخ تمدن، شماره چهل‌وهشتم، ۱۳۹۵.

- مرادی، خدیجه و قاسم‌زاده، عاتکه، «اجرت‌المثل زوجه در فقه و حقوق ایران با نظر به قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۴.

ب. قوانین و مقررات

- قانون الحاق یک تبصره به ماده ۳۳۶ قانون مدنی. (۱۳۸۱/۵/۹). مصوب مجلس شورای اسلامی

رای وحدت رویه شماره ۷۷۹ نیز تکلیف یکی از اختلاف‌های مهم را روشن کرده است: شرط تنصیف دارایی با اجرت‌المثل یا نحله بدل از آن قابل جمع است. از سوی دیگر، حقوق بشر و دستورکار توسعه پایدار می‌توانند اهمیت استقلال مالی و ارزش‌گذاری کار خانگی بدون مزد را برجسته کنند، اما ایجاد دین خصوصی میان زوجین همچنان تابع قانون داخلی است. از این‌رو، پیشنهاد اصلی مقاله نه گسترش بی‌ضابطه تعهدات مالی خانواده، بلکه افزایش پیش‌بینی‌پذیری است: معیارهای اثباتی روشن، کارشناسی استاندارد، تنقیح رویه و اصلاح صریح قانون در مواردی که شرایط موجود با واقعیت زندگی خانوادگی ناسازگار تشخیص داده می‌شود.

۷. سهم نویسندگان

فرایند نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده و در نهایت، اصلاح نهایی نیز توسط نویسنده مسؤول انجام شده است.

۸. تضاد منافع

بنابر اظهارات نویسندگان، در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

الف. منابع فارسی

- قرآن کریم.

- ابراهیمی‌ترکمان، ابودر و خلیجیان، فاطمه، «مطالعه تطبیقی نوآوری‌های قانون حمایت خانواده سال ۹۱ در حقوق مالی اجرت‌المثل و نحله با فقه امامیه»، تحقیقات حقوقی خصوصی و کیفری، دوره سیزدهم، شماره اول، ۱۳۹۶.

۹/۵/۱۳۸۱ و مورد تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۳۸۵/۱۰/۲۳.

- قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. (۱۳۷۱/۱۲/۲۱). بند «ب» تبصره ۶.

- قانون حمایت خانواده. (۱۳۹۱/۱۲/۱). به‌ویژه مواد ۲۹ و ۵۸.

- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۰۷). با اصلاحات و الحاقات بعدی، به‌ویژه مواد ۳۳۶ و ۳۳۷.

ج. آراء و نظریات مشورتی

- اداره کل حقوقی قوه قضائیه (۱۴۰۰/۷/۲۱). نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۳۶۴.

- اداره کل حقوقی قوه قضائیه (۱۴۰۱/۶/۱۲). نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۵۶۱.

- اداره کل حقوقی قوه قضائیه (۱۴۰۰/۷/۲۱). نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۳۶۴.

- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۹۸/۵/۱۵). رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹.

د. اسناد بین المللی

- United Nations. (1948). *Universal Declaration of Human Rights*, arts. 16, 17, 22 and 23.

- United Nations. (1966). *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*, arts. 2, 3, 6 and 7. Iran ratified the Covenant on 24 June 1975.

- United Nations. (2015). *Transforming our World: the 2030 Agenda for Sustainable Development*, Goal 5, Target 5.4.